

## واکاوی ابعاد تغییر موقعیت چین در حقوق سرمایه گذاری بین المللی

سعید شعبانی<sup>۱</sup>، سبحان طیبی<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> دانشجوی دوره دکتری حقوق اقتصاد بین الملل، دانشگاه جیاتونگ، شانگهای، چین.

<sup>۲</sup> دکتری حقوق بین الملل محیط زیست، مدرس دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران.

### چکیده

با توسعه اقتصادی چین، جایگاه این کشور نیز در حقوق سرمایه گذاری بین المللی تغییر یافته است. در حال حاضر، چین نه تنها یک وارد کننده و صادر کننده بزرگ سرمایه است بلکه یک کشور بزرگ در حال توسعه که در حال انتقال سیستم حقوقی سنتی به سیستم حقوقی مدرن نیز به حساب می آید. با توجه به منافع و ارزشهای ملی چین در مورد حقوق سرمایه گذاری بین المللی و ترکیب قدرت و موقعیت اش در جهان، چین نباید به تاکید یک طرفه سنتی بر حاکمیت کشور میزبان و نظم اقتصادی جدید بین المللی از موقعیت سرمایه گذاری بین المللی پایبند باشد و همچنین نباید با تاکید یک طرفه بر حقوق و منافع سرمایه گذاران از نظم اقتصادی بین المللی لیبرال و نوع جدید موقعیت حقوق سرمایه گذاری بین المللی، پیروی کنید و در عوض باید موازنه دقیقی برای محافظت از کشور خود، منافع سرمایه گذاران و حقوق آنها از یک طرف و از طرف دیگر، منافع عمومی کشور میزبان در حقوق سرمایه گذاری بین المللی ایجاد نماید. چین باید تلاش کند تا با موازنه ای که ایجاد میکند از این نکته اطمینان حاصل کند که تمامی حقوق سرمایه گذارانش و کشور میزبان در پرتو قانون حفظ می شود.

**واژه‌های کلیدی:** حقوق اقتصادی بین المللی، چین، قانون سرمایه گذاری بین المللی، تحول هویت، موقعیت یابی.

## ۱. مقدمه

در سالهای اخیر، موقعیت چین در حقوق سرمایه گذاری بین المللی در حال تحول اساسی است و از وارد کننده بزرگ سرمایه به صادر کننده بزرگ سرمایه تبدیل شده است.<sup>۱</sup> در عین حال، سیستم حقوق بین الملل سرمایه گذاری چین نیز در حال تحولات اساسی است و از تأکید یک طرفه بر حمایت از سرمایه گذار تا در نظر گرفتن منطقی حاکمیت کشور میزبان در حال تعبیر است.<sup>۲</sup> چین با توجه به اصلاحات نهادی در حقوق سرمایه گذاری بین المللی و تحول هویتی خود در حقوق سرمایه گذاری بین المللی باید درباره موقعیت خود در حقوق سرمایه گذاری بین المللی تجدید نظر کند.

## ۲. فرض جهت گیری موقعیت چین در قانون سرمایه گذاری بین المللی: انتقال از کشور میزبان سرمایه گذاری به یک کشور فرستنده سرمایه

در حال حاضر چین نقش مهمی در جریان سرمایه گذاری مستقیم جهانی ایفا می کند و این کشور نه تنها یک وارد کننده بزرگ سرمایه بلکه یک صادر کننده بزرگ سرمایه نیز محسوب می شود.<sup>۳</sup> نکته اول اینکه، چین مدت زیادی که وارد کننده اصلی سرمایه در جهان بوده است. از سال ۱۹۷۸ که چین سیاست بازارهای باز و اصلاحات اقتصادی را اتخاذ کرده، اقدامات مختلف ترجیحی را اتخاذ کرده تا با معرفی سرمایه گذاری مستقیم خارجی به کشورش، رشد اقتصادی را ارتقا داده بدهد. از سال ۱۹۷۹ تا ۱۹۹۱ سهم سالانه چین در استفاده از سرمایه گذاری مستقیم خارجی در چین از چند صد میلیون دلار آمریکا به ۳۶۶/۴ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۲ و ۱۳۶ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۷۴ افزایش یافت و به تدریج به کشوری توسعه یافته تبدیل شده است. از سال ۱۹۸۸، میزان استفاده چین از سرمایه گذاری خارجی هر ساله بیشتر از اکثریت کشورها و مناطق توسعه یافته بوده و پس از ایالات متحده، در رتبه دوم جهان قرار گرفت. در سال ۲۰۰۳ و همچنین نیمه اول سال ۲۰۱۲ جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی بیش از دو برابر ایالات متحده آمریکا بود. تا پایان سال ۲۰۱۱، میزان استفاده چین از سهام سرمایه گذاری مستقیم خارجی ۷۱۱،۸۰۲ میلیارد دلار، در ایالات متحده (۳،۵۰۹۳۵۹ تریلیون دلار)، انگلیس (۱،۱۹۸۸۷ تریلیون دلار)، آرژانتین (۱،۱۵۷۴۷۷ تریلیون دلار)، هنگ کنگ (۱،۱۳۸۳۶۵ تریلیون دلار)، فرانسه (۹۶۳،۷۹۲ میلیارد دلار)

<sup>۱</sup> جهت اطلاعات بیشتر به گزارش بانک جهانی، سازمان ملل متحد از سالهای ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۹ مراجعه فرمایید.  
[https://unctad.org/en/PublicationsLibrary/wir2019\\_en.pdf](https://unctad.org/en/PublicationsLibrary/wir2019_en.pdf)

<sup>۲</sup> See Wenhua Shan, "Towards a Balanced Liberal Investment Regime: General Report on the Protection of Foreign Investment", ICSID Review-Foreign Investment Law Journal ۲۵ (۲۰۱۰), pp. ۴۲۱-۴۹۷.

<sup>۳</sup> جهت اطلاعات بیشتر به گزارش بانک جهانی، سازمان ملل متحد از سالهای ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۹ مراجعه فرمایید.

<sup>۴</sup> World Investment Report, ۲۰۱۸, P ۲۱.

، بلژیک (۹۵۷,۸۳۶ میلیارد دلار)، آلمان (۷۱۳,۷۰۶ میلیارد دلار) بود. ۵ سرمایه گذاری مستقیم چین از بیش از ۲۰۰ کشور و منطقه در جهان تأمین می شود. طبق آمار وزارت بازرگانی، از ژانویه تا نوامبر ۲۰۱۲، به عنوان نمونه، استفاده چین از سرمایه خارجی از ده کشور و منطقه برتر (با ارزش سرمایه واقعی سرمایه گذاری) به ترتیب: هنگ کنگ (۶۲,۸ میلیارد دلار)، ژاپن (۶,۶۰۸ میلیارد دلار)، سنگاپور (۶,۰۴۴ میلیارد دلار)، تایوان (۵,۷۳۷ میلیارد دلار)، ایالات متحده (۲,۹۱۲ میلیارد دلار)، کره جنوبی (۲,۶۸۶ میلیارد دلار)، آلمان (۱,۳۹۱ میلیارد دلار)، هلند (۱,۰۸۴ میلیارد دلار)، انگلیس (۹۴۲ میلیون دلار) و سوئیس (۸۳۵ میلیون دلار) بوده و میزان سرمایه گذاری خارجی که در واقع توسط ده کشور و منطقه در چین سرمایه گذاری شده است، ۹۱/۰۲ درصد از کل میزان سرمایه گذاری خارجی را که در واقع در چین استفاده شده است، به خود اختصاص داده است.

در سال ۲۰۱۶، هنگ کنگ با ۲۸,۴ میلیارد دلار، ماکائو با ۲,۹۳ میلیارد دلار، سنگاپور با ۲,۱۴ میلیارد دلار، آمریکا با ۲,۶ میلیارد دلار، کره با ۲,۲ میلیارد دلار، ژاپن با ۱,۳۶ میلیارد دلار، تایوان با ۱,۳ میلیارد دلار، انگلیس با ۹۴۰ میلیون دلار، آلمان با ۹۴۰ میلیون دلار و لوکزامبورگ با ۷۱۰ میلیون دلار به ترتیب ۱۰ سرمایه گذار اول در اقتصاد چین بوده اند.<sup>۶</sup>

دوم، چین در سالهای اخیر به عنوان صادرکننده بزرگ سرمایه در حال ظهور است. از اواسط دهه ۱۹۹۰، چین به تدریج استراتژی "حرکت کردن به سوی بازارهای جهانی" خود را تعریف کرده و این استراتژی خود را از قرن ۲۱ به سرعت داده و به ترویج سرمایه گذاری مستقیم در خارج از کشور روی آورده و آن را تسریع کرده است. سرمایه گذاری مستقیم خارجی چین در سال ۲۰۰۸ از ۵۰ میلیارد دلار آمریکا و ۶۰ میلیارد دلار آمریکا در سال ۲۰۱۰ عبور کرد و به سطح کشورهای توسعه یافته دنیا رسید. در سال ۲۰۱۰ و ۲۰۱۱، سرمایه گذاری مستقیم خارجی به ترتیب ۶۸,۸۱۱ میلیارد دلار و ۷۴,۶۵ میلیارد دلار آمریکا بوده و به ترتیب در جایگاه های پنجم و ششم جهان قرار گرفته اند. کل سرمایه گذاری مستقیم خارجی در سال ۲۰۱۰ و ۲۰۱۱ ۶۸,۸۱۱ میلیارد دلار و ۷۴,۶۵ میلیارد دلار آمریکا بوده و به ترتیب در رتبه های پنجم و ششم جهان قرار گرفته اند. براساس آمار وزارت بازرگانی، سرمایه گذاری مستقیم خارجی غیر مالی چین ۷ در ژانویه تا نوامبر ۲۰۱۲ به ۶۲,۵۳ میلیارد دلار رسیده است که این رقم نسبت به سال گذشته ۲۵ درصد افزایش داشته است. از اواخر سال ۲۰۱۱، سهام سرمایه گذاری شده چین ۴۲۴,۷۸ میلیارد دلار، ایالات متحده (۴,۴۹۹۹۶۲ میلیارد دلار آمریکا)، انگلیس (۱۷۳,۰۱۹ میلیارد دلار آمریکا)،

<sup>۵</sup> World Investment Report, ۲۰۱۰, P ۲۱.

<sup>۶</sup> [http://www.chinadaily.com.cn/business/۲۰۱۶top۱۰/۲۰۱۶-۰۵/۲۳/content\\_۲۵۴۱۴۱۹۸.htm](http://www.chinadaily.com.cn/business/۲۰۱۶top۱۰/۲۰۱۶-۰۵/۲۳/content_۲۵۴۱۴۱۹۸.htm)

<sup>۷</sup> Non-financial direct foreign investment

آلمان (۱۴۴۱۶,۱۱ میلیارد دلار آمریکا)، فرانسه (۱۳۷۲۶,۷۶ میلیون دلار آمریکا)، هنگ کنگ، (۱,۰۴۵۹ میلیارد دلار آمریکا)، سوئیس (۹۹۱,۹۶۶ میلیارد دلار آمریکا)، ژاپن (۹۶,۲۷ میلیارد دلار آمریکا)، بلژیک (۹۴,۴۰۶ میلیارد دلار آمریکا)، هلند (۹۴,۳۸ میلیارد دلار آمریکا)، کانادا (۶۷,۰۴۷ میلیارد دلار آمریکا)، اسپانیا (۶۴۰,۳۱۲ میلیارد دلار آمریکا)، ایتالیا (۵۱۲,۲۰۲ میلیارد دلار آمریکا)، در رتبه سیزدهم جهان قرار دارند. در سال ۲۰۱۸ مبلغ کل سرمایه گذاری چین به عدد ۱۲۰,۵ میلیارد دلار رسید و سرمایه گذاری چین در کشورهای یک کمربند یک جاده ۱۵,۶۴ میلیارد دلار گذشت.

در مقایسه با کشورهای توسعه یافته، سهم چین از جریان سرمایه گذاری در خارج از کشور هنوز در جایگاه خوبی نیست. در سال ۲۰۱۱، جریان سرمایه گذاری چین در خارج از کشور طبق گزارش سالانه جهانی از ۴,۱۶٪ از کل سرمایه گذاری جهانی بود (۱,۶۹ تریلیون دلار آمریکا) و سهام خریداری شده توسط چین (۲۱,۱۷ تریلیون دلار) را به خود اختصاص داد که معادل ۹,۴٪ از سهام سرمایه گذاری خارجی ایالات متحده و ۲۴,۵٪ سهام انگلیس و ۲۹,۵٪ در آلمان است. ۸ سرمایه گذاری مستقیم خارجی چین طیف گسترده ای از ۱۷۸ کشور و منطقه را در بر می گیرد. طبق آمار وزارت بازرگانی، با در نظر گرفتن سال ۲۰۱۱، به عنوان نمونه، ده کشور برتر (منطقه) در سرمایه گذاری مستقیم خارجی چین عبارتند از: هنگ کنگ، چین، جزایر ویرجین انگلیس، جزایر کیمن، فرانسه، سنگاپور، استرالیا، متحده ایالات، انگلستان، لوکزامبورگ، سودان و غیره. این سرمایه گذاری به ۶۲,۱۲۳ میلیارد دلار رسیده است که ۸۳,۲ درصد از کل سرمایه گذاری مستقیم خارجی چین در مدت مشابه (۶۵/۷۴ میلیارد دلار آمریکا) را به خود اختصاص داده است.

از منظر روند توسعه، چین همچنان به سیاست "ورود به داخل"<sup>۹</sup>، تشویق سرمایه گذاری مستقیم خارجی، جذب حداکثری سرمایه مستقیم خارجی، ارتقاء رشد اقتصادی، ارتقاء بازسازی صنعتی و دستیابی به تحول اقتصادی ادامه خواهد داد. در همین زمان، دولت چین به سرعت بخشیدن به اجرای استراتژی "بیرون رفتن"<sup>۱۰</sup>، ترویج سرمایه گذاری مستقیم خارجی، احیای ذخایر ارزی، احیای تقاضای منابع، برای جلوگیری از موانع تجاری، گسترش بازار بین المللی، هضم ظرفیت اضافی، ترویج تنظیم ساختار صنعتی، برای تحقق تحول اقتصادی ادامه خواهد داد. سرمایه گذاری مستقیم خارجی چین ممکن است

<sup>۹</sup> Cheng Hui: "China's net foreign direct investment" "ten consecutive increase", "People's Daily newspaper" September ۱, ۲۰۱۲

<sup>۹</sup> bringing in

<sup>۱۰</sup> going out

به رشد سریع خود در آینده ادامه دهد. این بدان معنی است که چین همچنان به حفظ وضعیت ترکیبی بلند مدت خود در کشورهای وارد کننده سرمایه و صادر کننده سرمایه ادامه خواهد داد.

وضعیت چین در حقوق سرمایه گذاری بین المللی منحصر به فرد پیچیده است. وضعیت چین در حقوق سرمایه گذاری بین المللی با کشورهای توسعه یافته در حقوق بین المللی سرمایه گذاری نیز تفاوت هایی دارد. چین در حال حاضر صادر کننده بزرگ سرمایه در حال ظهور است. با این حال، شکاف بین جریان و سهم سرمایه گذاری مستقیم خارجی چین و کشورهای توسعه یافته بسیار زیاد است. در آینده، چین ممکن است به سطح کشورهای توسعه یافته صادر کننده سرمایه برسد همانطور که جریان سرمایه گذاری مستقیم چین در حال حاضر از سطح اکثریت قریب به اتفاق کشورهای توسعه یافته فراتر رفته است. با این حال، چین هنوز هم یک کشور در حال توسعه است و سطح حاکمیت قانون هنوز در سطح عالی نیست هر چند که از این منظر وضعیت قابل قبولی دارد ولی هنوز موارد زیادی برای اصلاح دارد. در حال حاضر، چین هنوز در دوران گذر سیاسی و اقتصادی در جهت تحول و توسعه سیستم اجتماعی است. میزان سرمایه گذاری مستقیم در اکثر کشورهای توسعه یافته مطابق با سطح توسعه حاکمیت قانون است و میزان سرمایه گذاری مستقیم در چین با سطح توسعه حاکمیت قانون مطابقت ندارد و علت این امر این است که اقتصاد چین خیلی سریعتر از فرهنگ آن رشد کرد. هویت چین در حقوق سرمایه گذاری بین المللی، به طور منحصر به فردی عوامل دوگانه کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه را هم ترکیب کرده است و این نکته موقعیت چین را در حقوق سرمایه گذاری بین المللی تعیین می کند.

### ۳. مبنای موقعیت چین در حقوق سرمایه گذاری بین المللی: ترکیب منافع، ایده ها و قدرت

در روابط بین الملل منافع ملی، رفتار ملی را تعیین می کند و پایه و اساس سیستم بین المللی را تشکیل می دهد. با این حال، درک منافع ملی تحت تأثیر هنجارها و تفاهات بین المللی است و تحقق منافع ملی نیز با توزیع قدرت در بین کشورها محدود شده است. ترکیب منافع، ارزشها و قدرت ملی پایه و اساس تعیین موقعیت کشور در حقوق سرمایه گذاری بین المللی است و منافع ملی موقعیت کشور را در حقوق سرمایه گذاری بین المللی تعیین می کند. علاقه کشور به حقوق سرمایه گذاری بین المللی به هویت کشور در حقوق سرمایه گذاری بین المللی بستگی دارد. منافع ملی کشورهای وارد کننده سرمایه (کشورهای میزبان) استفاده از سرمایه گذاری مستقیم خارجی برای توسعه منابع طبیعی، ترویج رشد اقتصادی، افزایش ثروت ملی، تقویت قدرت ملی (منافع اقتصادی) و سپس تقویت قدرت، بقا و امنیت کشور است (منافع سیاسی). سرمایه گذاری مستقیم خارجی همچنین ممکن است به حاکمیت اقتصادی کشور میزبان آسیب برساند، امنیت ملی را به خطر بیندازد و بر محیط و فرهنگ تأثیر منفی بگذارد. به طور کلی، سرمایه گذاری مستقیم خارجی بازده مربوط به کشور میزبان و همچنین

هزینه ها یا خطرات آن را دارد. ۱۱ بنابراین، کشورهای میزبان اغلب از سرمایه گذاری مستقیم خارجی و حاکمیت اقتصادی استفاده می کنند. منافع ملی کشورهای صادرکننده سرمایه (کشورهای اصلی) عمدتاً از طریق توسعه منابع طبیعی از طریق سرمایه گذاری مستقیم خارجی، دسترسی به مواد اولیه، اکتشاف در بازارهای خارج از کشور، تقویت رقابت بین المللی (منافع اقتصادی) و تقویت بیشتر قدرت، بقا و امنیت کشور (منافع سیاسی) بدست می آید. سرمایه گذاری مستقیم خارجی همچنین ممکن است به اشتغال کار و توسعه اقتصادی در کشور اصلی آسیب برساند، و حتی ممکن است با سیاست خارجی و منافع ملی کشور مغایرت داشته باشد. به طور کلی، سرمایه گذاری مستقیم خارجی از هزینه درآمد کشور فراتر رود. ۱۲ در نتیجه، کشورهای فرستنده سرمایه اغلب از سرمایه گذاری مستقیم خارجی خود را ترویج و حمایت می کنند. اگر یک کشور در درجه اول وارد کننده سرمایه یا صادرکننده سرمایه باشد، این کشور درحله اول مزایای یکجانبه کشور واردکننده سرمایه یا کشور صادرکننده سرمایه را در نظر می گیرد. اگر یک کشور همزمان دارای دو وضعیت مختلط کشور واردکننده سرمایه و کشور صادرکننده سرمایه باشد، آن کشور با احتیاط هم منافع کشور واردکننده سرمایه و هم کشور صادرکننده سرمایه را با احتیاط بیشتری در کفه ترازوی احتیاط قرار خواهد کرد.

#### ۴. مفهوم "ارزش" بر جایگاه کشور در حقوق سرمایه گذاری بین المللی

موافقتنامه های سرمایه گذاری و داوری منعکس کننده ارزش های اساسی و مفاهیم حاکمیت قانون مدرن و حکمرانی خوب، مانند احترام به حقوق مالکیت خصوصی، احترام به قراردادها و مراحل قانونی است. ۱۳ موافقت نامه های سرمایه گذاری فقط از سرمایه گذاران و سرمایه گذاری های آنها در کشورهای صادرکننده سرمایه محافظت می کند و به نظر می رسد نسبت به کشور واردکننده سرمایه ناعادلانه است. با این وجود، انعقاد موافقت نامه های سرمایه گذاری ممکن است محیط سرمایه گذاری خارجی کشورهای وارد کننده سرمایه را بهبود بخشد و سرمایه گذاری مستقیم خارجی را افزایش داده تا رشد اقتصادی کشورهای میزبان را ارتقا بخشد. موافقت نامه های سرمایه گذاری سوء استفاده از قدرت عمومی کشور میزبان را برای نقض سرمایه گذاران خارجی و سرمایه گذاری آنها محدود می کند. با این حال، آنها استفاده از قدرت عمومی را با حسن نیت، به شکلی مناسب و متناسب برای محافظت از محیط زیست، کار، بهداشت و سایر منافع عمومی در کشور میزبان را مققرات

<sup>۱۱</sup> Yuan Zhengqing: The Sociological Turn of International Political Theory: A Study of Constructivism, Shanghai People's Publishing House, ۲۰۰۵, p. ۲۱۰.

<sup>۱۲</sup> Zhang Yuyan, Li Zenggang, pp. ۳۲۸-۳۳۰.

<sup>۱۳</sup> Rudolf Dolzer, "The Impact of International Investment Treaties on Domestic Administrative Law", New York University Journal of International Law and Politics ۳۷ (۲۰۰۵), pp. ۹۳۵-۹۷۲.

گذاری نمیکنند. موافقت نامه های سرمایه گذاری فقط به سرمایه گذاران خارجی و سرمایه گذاری آنها در روشهای رسیدگی به دعاوی حقوقی بین المللی وسازمانهای ضمانت اعطا می کند و به نظر می رسد نسبت به سرمایه گذاران داخلی کشور میزبان و سرمایه گذاری آنها ناعادلانه است. اما موافقتنامه های سرمایه گذاری فقط تصریح می کند که هر کشور با حاکمیت مدرن قانون باید دسترسی برابر به سرمایه گذاران داخلی نیز اعطا کند. حمایت اساسی به گونه ای که سرمایه گذاران خارجی از تبعیض و تخلف غیر منطقی رنج نبرند زیرا از حقوق سیاسی در کشور میزبان برخوردار نیستند.

بنابراین ، انعقاد موافقت نامه های سرمایه گذاری و ورود به بندهای داوری اختلاف بین سرمایه گذاران و کشورها نه تنها منافع همکاری را ترویج می کند بلکه ارزش حاکمیت قانون را نیز ارتقا می بخشد. برعکس ، اگر قدرت عمومی کشور میزبان به طور مؤثر توسط قوانین داخلی یا قوانین بین المللی تنظیم و بررسی نشود ، هم سرمایه گذاران داخلی و هم سرمایه گذاران خارجی ممکن است بدون راهکارهای مؤثر دچار رفتار ناعادلانه شوند. در حال حاضر ، هر چند توافق نامه های سرمایه گذاری و سیستم های داوری آنها اساساً قابل توجیه هستند اما همچنین محدودیت های عمده ای نیز دارند. با وجود این می توان آنها را بطور مداوم بهبود بخشید تا منافع و ارزشهای مختلف کشورهای میزبان ، کشورهای داخلی ، سرمایه گذاران خارجی و ذینفعان کشور میزبان متعادل برقرار شود.<sup>۱۴</sup> سرانجام ، توزیع قدرت بر موقعیت کشور در حقوق سرمایه گذاری بین المللی تأثیر می گذارد. منافع ملی کشورها در حقوق سرمایه گذاری بین المللی اغلب به طور طبیعی هماهنگ نیست بلکه رقابتی است. اگر یک کشور صادر کننده سرمایه یا وارد کننده باشد و سایر کشورها صادرکننده اصلی سرمایه باشد یا به همین ترتیب ، دو کشور می توانند در مورد حمایت از سرمایه گذاری مستقیم خارجی به یک اجماع اساسی برسند ، اما اصرار بر این مورد و یا محدود کردن آن تفاوت قابل ملاحظه ای بر حاکمیت اقتصادی آن کشور دارد. در چنین مواردی ، اینکه آیا توافق نامه سرمایه گذاری بر حمایت از سرمایه گذاران خارجی متمرکز باشد یا حاکمیت و منافع عمومی کشور میزبان را در نظر بگیرد ، بستگی به توزیع قدرت بین کشورهای عضو دارد. در این میان ، کشورهای صادرکننده سرمایه اغلب در جایگاه غالب قرار دارند ، در حالی که کشورهای واردکننده سرمایه تمایل به وضعیت ضعیفی دارند. در واقع ، موافقتهای سرمایه گذاری دو جانبه ، که پس از جنگ جهانی دوم رخ داده است ، در درجه اول توسط کشورهای عضو سازمان توسعه همکاری اقتصادی ۱۵ آغاز می شود و با کشورهای در حال توسعه و اقتصادهای در حال گذار مذاکره می شود ، که عمدتاً بازتاب مفاد الگوی توافق های سرمایه گذاری

<sup>۱۴</sup> Charles N. Brower & Stephan W. Schill, "Is Arbitration a Threat or a Boon to the Legitimacy of International Investment Law?", Chicago Journal of International Law ۹ (۲۰۰۹) , pp. ۴۷۱-۴۹۸

<sup>۱۵</sup> OECD

است. در این کشورهای توسعه یافته به شکل و محتوا، و بنابراین توجه اصلی بر منافع دولت مادر و سرمایه گذاران خارج از کشور آن است، بدون آنکه توجه کاملی به حاکمیت کشور میزبان و منافع عمومی آن صورت گیرد. در حالی که کشورهای در حال توسعه دکترین کالو<sup>۱۶</sup> (آمریکای لاتین) را رها کرده و برای ایجاد نظم جدید اقتصادی بین المللی (کشورهای در حال توسعه) تلاش می کردند، اما در دهه ۱۹۸۰ پس از تحمل بحران بدهی (آمریکای لاتین) و نایاب بودن سرمایه رنج میبردند (کشورهای در حال توسعه) در نتیجه، اکثر کشورهای در حال توسعه به سمت عقد معاهده های سرمایه گذاری دو جانبه با کشورهای توسعه یافته روی آوردند و استانداردهای بالای حمایت از سرمایه گذاری را پذیرفتند. حتی موافقت نامهای سرمایه گذاری دو جانبه بین کشورهای در حال توسعه و اقتصادهای در حال گذار تحت تأثیر توزیع قدرت بین کشورهای صادرکننده سرمایه و کشورهای واردکننده سرمایه قرار گرفته است.<sup>۱۷</sup>

##### ۵. انتخاب موقعیت چین در حقوق سرمایه گذاری بین المللی: رفتار متفاوت در مقابل رفتار برابر

قانون سرمایه گذاری بین المللی محصول تکامل یکپارچه و پویا هویت ها، علائق، ایده ها و قدرت ها در کشورها و مناطق مختلف است. از ابتدای قرن بیست و یکم، اجماع هنجاری نئو لیبرال در حقوق سرمایه گذاری بین المللی به طور فزاینده ای مورد بازبینی قرار گرفته و روند توسعه ای پدید آمده است که منافع سرمایه گذاران خارجی را با منافع عمومی کشور میزبان تعادل می بخشد. کشورها و مناطق مختلف به تدریج موقعیت خود را تنظیم کرده اند و حقوق سرمایه گذاری بین المللی در یک دوره مهم گذار قرار دارد. با تغییر موضع چین در حقوق سرمایه گذاری بین المللی، منافع ملی چین در حقوق سرمایه گذاری بین المللی تغییر خواهد کرد. موضع چین در حقوق سرمایه گذاری بین المللی نیز دستخوش تغییرات مهمی است. اول از همه، از منظر منافع ملی، با موقعیت چین حقوق سرمایه گذاری بین المللی باید بین منافع ملی کشور میزبان سرمایه و منافع ملی خود به عنوان کشور اصلی و مادر در صدور سرمایه تعادل برقرار کند. چین به یک کشور بزرگ که ترکیبی از صادر کنند و وارد کننده سرمایه است تبدیل شده است ولی هنوز در حال حاضر، چین وارد کننده اصلی سرمایه است. با این حال، سرمایه گذاری مستقیم چین در حال حاضر در حال نزدیک شدن به سطح کشورهای مهم توسعه یافته است و ممکن است سطح ورودی سرمایه و تولید سرمایه در ۵ تا ۱۰ سال آینده تقریباً مسطح باشد که امروزه شاهد این موضوع هم هستیم.

<sup>۱۶</sup> Calvo doctrine

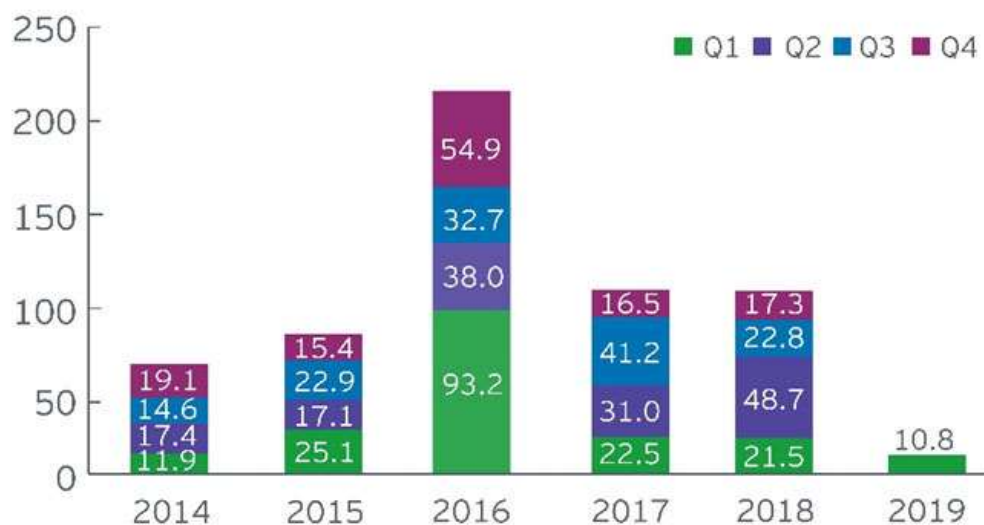
<sup>۱۷</sup> See M.Sornarajah, The International Law on Foreign Investment, ۳rd ed., Cambridge University Press, ۲۰۱۰, pp. ۱۷۷-۱۷۸.



نمودارهای زیر میزان سرمایه گذاری که چین در خارج از کشور انجام میدهد و مقصد کشورهایی که سرمایه گذاران چینی در آن سرمایه گذاری میکنند را نشان میدهد. این موضوع نشان دهنده این است که چین چطور از یک کشور پذیرای سرمایه به یک کشور فرستنده سرمایه تبدیل شده است.

نمودار شماره یک: میزان سرمایه گذاری مستقیم چین و دیگر کشورها در خارج از کشور ۱۸

China's overseas M&As, 2014 - Q1 2019 (US\$ billion)



Source: ThomsonOne, Mergermarket, including overseas M&As of Hong Kong, Macau and Taiwan and deals have been announced but not yet completed; EY analysis

<sup>۱۸</sup> Out Bound Investment

China's non-Financial ODI, 2014 - Q1 2019 (US\$ billion)



Source: MOFCOM

نمودار شماه ۲ : مقصد سرمایه گذاران چینی

### Top 10 destinations of China's overseas M&As in Q1 2019 (by deal value)



### China's overseas M&As by region in Q1 2019 (by deal value and volume)



Source: ThomsonOne, Mergermarket, including overseas M&As of Hong Kong, Macau and Taiwan and deals have been announced but not yet completed; EY analysis

به عنوان کشور میزبان، چین همچنان به استفاده از سرمایه گذاری مستقیم خارجی برای ارتقاء رشد اقتصادی ادامه خواهد داد و با انعقاد موافقتنامه های سرمایه گذاری، از منافع سرمایه گذاران خارجی حمایت و آن را ترویج خواهد داد. به عنوان یک کشور فرستنده سرمایه، چین به صورت حجیم سرمایه گذاری مستقیم خارجی ادامه خواهد داد و باید از سرمایه گذاران خود در خارج از کشور و سرمایه گذاریهایشان از طریق انعقاد موافقت نامه های سرمایه گذاری محافظت کند. برای این منظور، چین باید مدل قدیمی سنتی دهه ۱۹۹۰ را تغییر دهد که به طور یک جانبه بر حاکمیت کشور میزبان تأکید داشت، از پذیرش حداقل استانداردهای بین المللی درمان خودداری کرد و بیش از حد دامنه اختلافات بین سرمایه گذاران و کشورها را محدود کند. چین باید این موضع را اتخاذ کند که ایالات متحده و کانادا اتخاذ کرده اند و ان عبارت است از اینکه به صورت متعادل از حقوق سرمایه گذاران خارجی، حاکمیت کشور میزبان و منافع اجتماعی و عمومی حمایت می کند.<sup>۱۹</sup>

سرمایه گذاری مستقیم خارجی فعلی چین در خارج از کشور و پذیرش سرمایه گذاری مستقیم خارجی چین به شدت بین سرزمین اصلی چین و هنگ کنگ متمرکز شده است. بازار گسترده و ثبات سیاسی در سرزمین اصلی عامل اصلی جذب سرمایه گذاران هنگ کنگ است. قانون توسعه یافته هنگ کنگ برای محافظت از سرمایه گذاران سرزمین اصلی و سرمایه گذاری آنها کافی است تا توجه انبوهی از سرمایه گذاران چینی را به خود جلب کند. با این حال، در دراز مدت، چین هنوز هم باید از طریق توافق نامه های سرمایه گذاری از خروج سرمایه و داخل شدن سرمایه بین چین و سایر کشورهای غیر از هنگ کنگ ترویج و حمایت کند و از منافع اقتصادی و سیاسی گسترده تر چین اطمینان کند. به ویژه، توافق نامه های سرمایه گذاری بین چین و کشورهای در حال توسعه و اقتصادهای در حال گذار باید از سرمایه گذاری مستقیم چین در خارج از کشور حمایت و محافظت کنند، زیرا کشورهای در حال توسعه و اقتصادهای در حال گذار معمولاً دارای سیستمهای حقوقی ضعیف و سطح قانونی پایین هستند. در سالهای اخیر، چین سرمایه گذاری زیادی در منابع و انرژی خارج از کشور انجام داده است. با این حال، فضای قانونی کلی آن نسبتاً ضعیف است، ریسکهای سیاسی عموماً بیش از حد است و برای ترویج و محافظت از آن از طریق توافق نامه های سرمایه گذاری فوری لازم است. به عنوان مثال، سرمایه گذاری منابع و انرژی چین در کشورهایی از جمله ونزوئلا، اکوادور، لیبی، مغولستان، ایران، روسیه، و کره شمالی تاکنون با خطرات سیاسی کشور میزبان و ضرر سهام عمده مواجه بوده اند.

<sup>۱۹</sup> Han Xiuli: "The Transformation of International Investment Law in the Post-Crisis Era -- Also on China's Situation", Journal of Xiamen University (Philosophy and Social Sciences), No. ۶, ۲۰۱۲, pp. ۱۷-۲۴.

ثانیا، از منظر ارزش ها موافقت نامه های سرمایه گذاری و سیستم داوری چین که تراز حمایت از حقوق سرمایه گذار خارجی و حاکمیت کشور میزبان و منافع عمومی اجتماعی را انتخاب می کند، مطابق با ارزش های اساسی حاکمیت قانون است. از زمان گشودن درهای اقتصادی چین به دنیای خارج، چین میزان زیادی سرمایه گذاری مستقیم خارجی از هنگ کنگ و تایوان جذب کرده است. با این حال، هیچ مذاکره ای بین سرزمین اصلی و هنگ کنگ برای انعقاد توافق نامه سرمایه گذاری ویژه برای محافظت مؤثر از سرمایه گذاری مستقیم، بین سرزمین اصلی چین و تایوان صورت نگرفته است. و فقط سرمایه گذاران مجاز به ارائه "اختلافات جبران سرمایه گذاری بین سرمایه گذاران و محل سرمایه گذاری این توافق نامه" به دادگاه برای حل آن از طریق واسطه گری بودند. "سرمایه گذاران و سرمایه گذاری های آنها از هنگ کنگ و تایوان، نقش بسیار مهمی در ترویج، اصلاحات، گشایش و توسعه اقتصادی در سرزمین اصلی چین ایفا کرده اند. این متحد با با منافع اقتصادی سرزمین اصلی همخوانی ندارد، و همچنین ارزش عدالت حاکمیت قانون را بین چین و کشورهای توسعه یافته نیز نقض می کند، حتی بدون توافق سرمایه گذاری، ثبات سیاسی و بازار گسترده چین هنوز هم می تواند تعداد زیادی از کشورها و سرمایه های آنها را به خود جلب کند. حاکمیت قانون در کشورهای توسعه یافته هنوز هم می تواند کاملاً از منافع سرمایه گذاری خارج از کشور چین حمایت کند. در واقع، در کوتاه مدت، به دلیل فاصله در سطح حاکمیت قانون در چین، توافق نامه سرمایه گذاری بین چین و کشورهای توسعه یافته از توافق های چین با کشورهای در حال توسعه ریسک تر و پرهزینه تر است. بنابراین، به نظر می رسد چین بر اساس توجه به منافع اش، در مذاکره، انعقاد، تجدید یا به روزرسانی یک قرارداد سرمایه گذاری با کشورهای توسعه یافته فعال نیست. با وجود این، هرچند از نظر ارزش، حقوق سرمایه گذاران خارجی با رفتار ناعادلانه دولت میزبان و تخلفات غیرقانونی نقض شده و آنها قادر به دریافت حمایت و رفع به موقع و مؤثر این اقدامات از طرف قانون داخلی کشور میزبان نیستند که این برخلاف ارزش عدالت است. در این مرحله، موقعیت چین و کشورهای در حال توسعه در قانون سرمایه گذاری بین المللی با جایگاه کشورهای توسعه یافته در قانون سرمایه گذاری بین المللی متفاوت است. به طور سنتی، کشورهای توسعه یافته به ندرت در مورد توافق نامه های سرمایه گذاری دو جانبه با یکدیگر مذاکره کرده اند، اما بیشترین میزان جریان سرمایه گذاری مستقیم بین المللی عمدتاً در کشورهای توسعه یافته رخ می دهد. دلیل این امر این است که معمولاً قانون بسیار توسعه یافته در کشورهای توسعه یافته برای محافظت از به موقع و مؤثر سرمایه گذاری خارجی و سرمایه گذاری آنها کافی است. با این حال، سطح حاکمیت قانون در چین با کشورهای توسعه یافته بسیار متفاوت است. کشورهای توسعه یافته ترجیح می دهند مذاکره، انعقاد، تجدید یا به روزرسانی توافق های سرمایه گذاری با چین انجام دهند. بنابراین، چین در مواجهه با کشورهای در حال توسعه، اقتصادهای نوظهور و کشورهای توسعه یافته، باید بر توازن در حمایت از حقوق سرمایه گذاران خارجی اش و حاکمیت کشور میزبان و منافع عمومی اجتماعی آنها از طریق موافقتنامه سرمایه گذاری اصرار ورزد و

توازن بین این دو برقرار کند. سرانجام، با قضاوت از توزیع قدرت، چین می تواند موقعیت توازن در حمایت از منافع سرمایه گذاران خارجی، حاکمیت کشور میزبان و منافع عمومی اجتماعی را عملی کند. در رابطه با کشورهای توسعه یافته، چین به طور عمده وارد کننده سرمایه بود. کشورهای توسعه یافته عمدتاً صادرکننده سرمایه هستند و همچنین امیدوارند که مذاکره و انعقاد توافق نامه های سرمایه گذاری با چین انجام دهند. کشورهای توسعه یافته در اروپای غربی زیاد درخواست قیمت نمی کنند و می توانند با چین سازش کنند و قراردادهای سرمایه گذاری با چین منعقد کرده اند. ایالات متحده و کانادا برای دسترسی به سرمایه گذاری، رفتار ملی، حداقل استانداردهای رفتارهای بین المللی، استانداردهای جبران سلب مالکیت و صلاحیت جامع حل و فصل اختلافات درخواستهای بسیاری از چین ندارند و برای همین به توافق کاملی نرسیده اند. با افزایش تدریجی سرمایه گذاری چین در خارج از کشور، ورودی و خروجی سرمایه بین چین و کشورهای توسعه یافته به تدریج تمایل به تعادل خواهد رسید و چین با کشورهای توسعه یافته موقعیت چانه زنی کاملاً برابر خواهد داشت. هم چین و هم کشورهای توسعه یافته، قدرت نظارتی قانونی و فضای سیاسی را که به سود منافع عمومی کشور میزبان است را خواهند پذیرفت و به آن احترام خواهند گذاشت. براساس این فرض، بیشتر کشورهای توسعه یافته می توانند با چانه زنی با چین سازش کنند. همانطور که موافقت نامه های سرمایه گذاری دو جانبه چین و کانادا که در سال ۲۰۱۲ منعقد شد اصرار بر به مقررات رفتار عادلانه ملی در ورود و دسترسی به بازار کانادا را نداشت. با این حال، هنوز مشخص نیست که آیا ایالات متحده می تواند قبل از ورود سرمایه گذاری در چین امتیازات مربوط به رفتار ملی را قبل از اینکه وارد معاهده دوطرفه با چین بشود بدست بیاورد یا خیر. قبل از اینکه چین به کشوری کاملاً توسعه یافته از نظرقوانین و اقتصادی تبدیل شود، کشورهای توسعه یافته اصرار دارند از سرمایه گذاران نشان از طریق معاهدات سرمایه گذاری های سرمایه گذاری با استاندارد بالا محافظت کنند. مگر اینکه چین از مذاکره یا به روزرسانی توافق های سرمایه گذاری تمديد با کشورهای توسعه یافته امتناع ورزد. به عنوان مثال، کشورهای غربی از این قانون چین که سرمایه گذاران خارجی را مجبور میکرد که تکنولوژی خود را به چین انتقال بدهند ناخشنود بودند و این موضوع مذاکرات بسیاری بین چین و کشورهای غربی بود. ۲۰ در غیر این صورت، کشورهای توسعه یافته موافقت نامه های سرمایه گذاری را قبول نمی کنند که به صورت مطلق محدوده صلاحیت اختلاف بین سرمایه گذاران و کشورها را محدود می کند. پس از تبدیل شدن چین به یک کشور توسعه یافته بسیار قانونی، کشورهای توسعه یافته ممکن است به قوانین داخلی چین و داروهای محلی برای محافظت از سرمایه گذاران خارجی اعتماد کنند. ۲۱ از نظر روابط با

<sup>۲۰</sup> با اصلاحات اقتصادی در سال ۲۰۱۹ این محدودیت برداشته شد و سرمایه گذاران خارجی مجبور به انتقال تکنولوژی خود به چین نیستند.

<sup>۲۱</sup> به عنوان مثال سرمایه گذاران خارجی همیشه از این گلایه میکردند که دادگاه های چین قوانین بین المللی در زمینه مالکیت معنوی را اجرا نمیکند و همیشه به سود شرکتهای چینی رای میدهند ولی با رای اخیر دادگاه پکن که خودرو سازی JMC را محکوم به پرداخت خسارت به

کشورهای در حال توسعه و اقتصادهای در نوظهور، چین به طور عمده به عنوان صادرکننده سرمایه فعالیت می کند، در حالی که کشور دیگر به طور عمده به عنوان وارد کننده سرمایه عمل می کند. بنابراین، با این مقایسه، چین در مذاکره و نهایی کردن توافق نامه های سرمایه گذاری حرف بیشتری خواهد زد. در حقیقت، تا زمانی که منافع سرمایه گذاران و حاکمیت و منافع عمومی کشور میزبان را می توان به طور کامل در نظر گرفت، بیشتر کشورهای در حال توسعه و اقتصادهای در نوظهور نیز به طور کلی مایل به مذاکره و منعقد کردن یک توافق سرمایه گذاری متعادل با چین هستند. به طور خلاصه، از منظر ادغام منافع ملی، ارزش ها و مواضع قدرت چین، چین باید موضع خود را در مورد حقوق سرمایه گذاری بین المللی مشخص کند. از نظر نگرش به توافق نامه های سرمایه گذاری، چین باید به طور فعال در مورد توافق نامه های سرمایه گذاری جدید (از جمله فصل های سرمایه گذاری توافق نامه تجارت آزاد) مذاکره کند، یا توافق های سرمایه گذاری قدیمی را برای ترویج و محافظت از سرمایه گذاری مستقیم خارجی در چین مذاکره و به روز کند و همچنین از ترویج و حمایت از سرمایه گذاری خارجی پشتیبانی کند. زمانی که چین مستقیماً در خارج از کشور سرمایه گذاری می کند در برخورد با کشورهای مختلف، باید با همه کشورها رفتار یکسان داشته باشد و نباید بین کشورهای توسعه یافته با سطح بالایی از حاکمیت قانون و کشورهای در حال توسعه و اقتصادهای در حال گذار با سطح قانونی پایین تبعیض قائل شود.

توافق نامه های سرمایه گذاری سطح بالا با دقت و متعادل از سرمایه گذاران خارجی و کشورهای میزبان و منافع عمومی آنها محافظت می کند. اساساً تضمین می کند که چین نیازی به تفکیک بین کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه و اقتصادهای گذار ندارد، بلکه باید بطور مستقل در مورد توافق های سرمایه گذاری با کشورهای خارجی مذاکره کند و از اعمال صحیح قدرت عمومی در کشور میزبان اطمینان حاصل کند. با این حال، چین در حال حاضر در دوره دگرگونی و توسعه قرار دارد و باید تلاش کند تا با حسن نیت به سمت حاکمیت قانون و حکمرانی خوب برود تا با ریسکها و سوء استفاده غیرقانونی از قدرت مواجه نشود تا مجبور شود هزینه این ریسک را در حقوق سرمایه گذاری بین المللی پرداخت کند. همچنین لازم به ذکر است که حقوق فعلی سرمایه گذاری بین المللی نیز در دوره تحول و تحول قرار دارد و هنوز هم بسیاری از نقص ها فیزیکی و رویه ای زیادی به چشم می خورد. بنابراین، چین باید به طور فعال حقوق سرمایه گذاری بین المللی را در سطح دو جانبه، منطقه ای و چند جانبه با سایر کشورها ترویج دهد تا به سمت قوانین بین المللی خوب و سطح حکمرانی خوب برود.

---

لندروور کرد، سرمایه گذاران غربی اعتماد بیشتری به دادگاه های چین پیدا کردند. برای مطالعه بیشتر به لینک زیر مراجعه کنید:  
<https://www.theguardian.com/business/2019/mar/22/jaguar-land-rover-wins-landmark-case-against-chinese-evoque-copycat>



## ۶. عملکرد چین در تعیین موقعیت در قانون سرمایه گذاری بین المللی : منافع دولت میزبان سرمایه و دولت

### پذیرنده سرمایه

رویه حقوق سرمایه گذاری بین المللی در مذاکره چین و انعقاد توافق نامه های سرمایه گذاری نشان می دهد که موضع چین در مورد قانون سرمایه گذاری بین المللی از الگوی محافظه کارانه بوده است که بر حاکمیت کشورهای میزبان بیش از حد تأکید می کند. اقتصاد چین بطور یک جانبه بر الگوی آزادسازی حمایت از سرمایه گذاران تأکید کرده و به سمت تعادل محتاطانه سرمایه گذاران با تأکید بر موقعیت حاکمیت کشور و کشور میزبان و منافع عمومی آن خارجی پیش رفته است. چین یکی از فعال ترین کشورها در حقوق سرمایه گذاری بین المللی برای مذاکره درباره موافقت نامه های سرمایه گذاری دو جانبه است و تاکنون ، چین بیش از ۱۴۰ قرارداد سرمایه گذاری دو جانبه و چندین توافق نامه تجارت آزاد منعقد کرده است. در حال حاضر ، چین در حال مذاکره در مورد توافق نامه های سرمایه گذاری دو جانبه با ایالات متحده است و به زودی ممکن است مذاکرات توافق نامه سرمایه گذاری دو جانبه با اتحادیه اروپا را آغاز کند. با وجود جنگ تجاری چین و آمریکا انعقاد موافقت نامه دوجانبه سرمایه گذاری بین چین و آمریکا یکی از چالش های بزرگ چین در سالهای اخیر است. در میان آنها ، توافق نامه سرمایه گذاری که از سال ۲۰۰۶ توسط چین منعقد شده است ، شروع به ترسیم الگوی و عملکرد موافقت نامه های سرمایه گذاری ۲۰۰۴ و ایالات متحده کرده و به تدریج تعادل حاکمیت و منافع عمومی سرمایه گذاران خارجی و کشورهای میزبان را متعادل می کند. با این حال ، این الگوی متعادل توافق های سرمایه گذاری هنوز به یک روش واحد تبدیل نشده است و در این دوره ، بیشتر توافق های سرمایه گذاری امضا شده بین چین و کشورهای در حال توسعه هنوز هم به طور یک جانبه بر الگوی توافق برای حمایت از سرمایه گذاران تأکید می کنند. این رویکرد نه با روحیه به اصطلاح همکاری های جنوب و جنوب ۲۲ همخوانی دارد ، و نه نشان دهنده عملکرد دیرهنگام کشورهای توسعه یافته مانند کانادا و ایالات متحده است. . پیش نویس مدل شرایط حمایت از سرمایه گذاری توسط وزارت بازرگانی چین در آوریل ۲۰۱۰ پیش نویس نه تنها به روح اساسی حمایت از حقوق خصوصی و اتصال قدرت عمومی پایبند است، بلکه منعکس کننده تعادل میان منافع سرمایه گذاران خارجی و کشور میزبان هستند. در سالهای اخیر ، با تسریع در اجرای استراتژی "رفتن به بیرون" ۲۳ ، دولت چین بارها و بارها تأکید کرده که همچنان به بهبود مکانیسم تضمین سرمایه گذاری بین المللی در سطوح مختلف و موافقت نامه های دو جانبه برای حمایت

<sup>۲۲</sup> South-South cooperation, اصطلاحی است که به طور تاریخی توسط سیاستگذاران و دانشگاهیان برای توصیف مبادله منابع ، فناوری و دانش بین کشورهای در حال توسعه که به عنوان کشورهای جهان جنوبی جنوبی نیز شناخته می شود ، مورد استفاده قرار می گیرد.

<sup>۲۳</sup> Going out strategy



از سرمایه گذاری، گسترش بیشتر سرمایه گذاری های دوجانبه به طور کامل ادامه خواهد داد. دامنه توافقنامه های حمایت و توافق نامه تجارت آزاد برای جلوگیری از مالیات مضاعف، یک محیط قانونی پایدار و شفاف را برای سرمایه گذاری مستقیم خارج از کشور چین ایجاد می کند. با رعایت موضع چین در مورد حقوق سرمایه گذاری بین المللی از رویه معاهده و بیانیه های سیاست دولت چین در سال های اخیر، مشخص است که چین بیشتر فعالانه مذاکره و انعقاد توافق نامه های سرمایه گذاری را انجام می دهد. با این حال، هنوز مشخص نیست که آیا توافقنامه سرمایه گذاری آینده چین الگویی از توافق نامه است که بر حمایت از سرمایه گذاران متمرکز است یا الگویی از توافق نامه ای که بین منافع سرمایه گذاران و کشورهای میزبان را به صورت متعادل موازنه ایجاد می کند. آیا چین با کشورهای مختلف همچون کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه و اقتصادهای نوظهور به طرق مختلف رفتار خواهد کرد؟ در حال حاضر، چین با کشورهای توسعه یافته و کشورهای مهم در حال توسعه صنعتی مهم، رویکرد تبعیض آمیز خاصی اتخاذ می کند. تعداد کمی از کشورهای در حال توسعه و اقتصادهای در حال گذار با الگویی از توافق نامه مذاکره می کنند که منافع سرمایه گذاران و کشورهای میزبان را متعادل می کند، در حالی که مذاکرات با دیگر کشورهای در حال توسعه و اقتصادهای نوظهور براساس توافق نامه هایی است که بر حمایت از سرمایه گذاران متمرکز است. در رویه خاص، موضع چین در مورد حقوق سرمایه گذاری بین المللی در مشکلات قدیمی توافق نامه های سرمایه گذاری دو جانبه، موضوعات جدید و پاسخگویی به سیاست در مورد تحولات جدید منعکس شده است. از نظر شرایط رفتار با اشخاص توافق نامه سرمایه گذاری، شیوه های معاهده سرمایه گذاری فعلی چین، علاوه بر تعاریف سرمایه گذاری و سرمایه گذار که به طور سنتی اتخاذ شده است، قید ملتهای کامله الوداد، برخورد منصفانه و عادلانه، مبادله و انتقال آزادی، مقررات سلب مالکیت و جبران خسارت، استیضاح علاوه بر مقررات برای ارتقاء و حمایت از منافع سرمایه گذاران، از جمله ترویج سرمایه گذاری و راحتی سرمایه گذاری، بندهای چترهای محافظتی، مقررات بیشتر در مورد رفتار ملی پس از دسترسی به سرمایه گذاری، برخورد منصفانه و عادلانه براساس قوانین بین المللی عرفی، شفافیت (از جمله مراحل اطلاع رسانی و بررسی) و غیره سطح بالایی از حمایت از شرایط سرمایه گذاران را ایجاد کرده است. در عین حال، علاوه بر مقررات سنتی مطابق با الزامات قوانین داخلی کشور میزبان، صلاحیت قضایی معاصر نیز محدودیت هایی را در زمینه سرمایه گذاری و سرمایه گذاران، استثنائات در رفتار ملی، استثنائات در مورد قید ملتهای کامله الوداد، محدودیت در برخورد منصفانه و عادلانه تعیین می کند. همچنین محدودیت های بند چتر. محدودیت های دقیق تر نقل و انتقالات، استثنائات تراز پرداخت، استثنائات محتاطانه مالی، استثنائات ایمنی، استثنائات در اقدامات مالیاتی، استثنائات سلامت حیوانات و گیاهان و زندگی، سلب مالکیت غیرمستقیم و معیارهای جبران خسارت و محدودیتها (محدودیتهای غیر تبعیض آمیز، متناسب با اقدامات قانونی برای حمایت از رفاه عمومی از شمول سلب مالکیت غیرمستقیم)، اقدامات زیست محیطی و سایر مقررات محافظت از حاکمیت و

منافع عمومی کشور میزبان مستثنا هستند. از نظر بندهای حل و فصل اختلافات در توافق نامه سرمایه گذاری و بندهای مکانیزم تصمیم گیری سازمانی، معاهده سرمایه گذاری فعلی چین به تدریج اختلافات بین سرمایه گذاران و کشورها را در سازوکارهای حل اختلاف براساس مکانیسم حل اختلاف اختلاف بین سرمایه گذاران و کشورها و بین کشورهای متعاهد آزاد می کند. دامنه، اصلاح فرآیند حل و فصل اختلافات سرمایه گذار - ایالتی، رویه های حل و فصل اختلافات را از محدوده قید ملتهای کامله الوداد خارج کرده و شفافیت و مشارکت در روشهای حل اختلاف اختلاف سرمایه گذار و دولت را پذیرفته که منعکس کننده رویه روند توازن در توسعه منافی که از سرمایه گذاران حمایت می کند می باشد. از آخرین تحولات اصلاحات در حقوق بین الملل سرمایه گذاری، چین باید به مسائل قدیمی و موضوعات جدید از قبیل رفتار ملی، قبل از ورود، شرکتهای دولتی و بی طرفی رقابت و محافظت از محیط زیست و کار پاسخ دهد. بند رفتار ملی قبل از دستیابی به سرمایه گذاری یکی از مهمترین موانع چین برای مذاکره درباره توافق سرمایه گذاری با کانادا و ایالات متحده بود. در حال حاضر، سرمایه گذاری مستقیم چین در خارج از کشور بارها و بارها با بازنگری در زمینه امنیت ملی در کشورهای توسعه یافته مانند ایالات متحده، استرالیا و کانادا روبرو بوده و بنابراین دسترسی به سرمایه گذاری مستقیم خارج از کشور را محدود کرده است. اما پذیرش رفتار ملی قبل از دسترسی به سرمایه گذاری، موانع سرمایه گذاری خارجی را در بررسی امنیت ملی برطرف نمی کند، زیرا توافق های سرمایه گذاری به طور کلی استثنائات امنیتی را ارائه می دهند. علاوه بر این، پذیرش رفتار ملی قبل از ورود به صورت لیست منفی، فضای سیاستگذاری برای کنترل سرمایه گذاری خارجی را از دست می دهد. بنابراین، چین هنوز باید از پذیرش بند رفتار ملی قبل از ورود سرمایه گذاری های خارجی امتناع ورزد. بنگاههای دولتی و بند خنثی رقابت برای جلوگیری از قرار گرفتن سرمایه گذاران خارجی در موقعیت نامطلوب رقابتی به دلیل اعمال قدرت دولتی یا برخورداری از امتیاز ممتاز توسط شرکتهای دولتی کشور میزبان و شرکتهای دولتی که فعالیت دارند قدرت دولت میزبان در محدوده تعهدات توافق نامه سرمایه گذاری گنجانده شده است. چین می تواند چنین بندهایی را بپذیرد، زیرا حتی اگر چنین بندهایی لحاظ نشود، براساس اصل انتساب مسئولیت دولت در حقوق بین الملل عرفی، اعمال قدرت دولتی توسط بنگاه های دولتی می تواند در دامنه مسئولیت دولت گنجانیده شود. بندهای حفاظت از محیط زیست و کارگری در پاسخ به نیازهای گروههای حفاظت از محیط زیست و کار داخلی کشورهای توسعه یافته تصویب می شود. چین می تواند بندهای غیرمجاز حفاظت از محیط زیست و کار را بپذیرد، اما موقتاً نمی تواند بندهای حفاظت از محیط زیست و کار را با تعهدات مذاکره اجباری یا تعهدات حل اختلاف بپذیرد، زیرا اولی در دامنه تلاشهای مستقل است و دوم ممکن است موقعیت خود را منفعل کند.

**۷. تغییر موقعیت چین از سرمایه‌گذار مالی به سرمایه‌گذار غیر مالی**

در سالهای آغازین اجرای سیاست اصلاحات اقتصادی در چین، این کشور با جذابیت‌های گسترده‌ای که برای سرمایه‌گذاران خارجی داشت، همانند نیروی کار ارزان، جمعیت زیاد، بازار مصرفی بزرگ، همجواری و همسایگی با کشورهای پرجمعیتی چون هند، پاکستان و اندونزی و دسترسی به آب‌های آزاد به یک قطب صنعتی بزرگ برای تولید تبدیل شد. بسیاری از شرکتهای بزرگ برای بدست گرفتن این بازار عظیم سرمایه‌های خود را راهی کشور چین کردند تا با در اختیار گرفتن این بازار سرمایه‌های خود را افزایش دهند و این امر برای خیلی از شرکتهای بزرگ اروپایی و آمریکایی اتفاق افتاد. عمده سرمایه‌گذاری این کشورها به صورت سرمایه‌گذاری مستقیم مالی در شرکتهای تجاری چین و یا ایجاد کارخانه‌های مستقل بود. با جریان گردش مالی زیاد در چین و در دسترس بودن پول که توسط بانکها و یا موسسات سرمایه‌گذاری به صنعت رو به رشد چین تزریق میشد سرمایه‌گذاری مالی که توسط خارجیان در چین انجام میشد رفته رفته این نوع سرمایه‌گذاری مزیت رقابتی خود را از دست داد و صاحبان صنعت را به این فکر واداشت که از دیگر مزیت خود که در اختیار داشتن دانش فنی بود استفاده نمایند. این امر همراه با قانونی بود که شرکتهای خارجی برای وارد شدن به بازار چین باید بود تکنولوژی خود را به چین انتقال دهند و حتما با یک شرکت داخلی چینی همکاری نمایند.

منظور از سرمایه‌گذاری مالی و سرمایه‌گذاری غیر مالی چیست؟

سرمایه‌گذاری مالی: منظور از سرمایه‌گذاری مالی یعنی سرمایه‌گذاری که توسط پول نقد در بازار بورس، اوراق قرضه و یا در شرکتهایی با سطح توسعه و پیشرفت مناسب به امید کسب سود کوتاه یا بلند مدت انجام میشود. این نوع سرمایه‌گذاری ممکن است توسط فرد یا شرکت سرمایه‌گذاری در قالب خرید سهام در بازار بورس سرمایه و یا سرمایه‌گذاری در شرکتهای انجام شود.

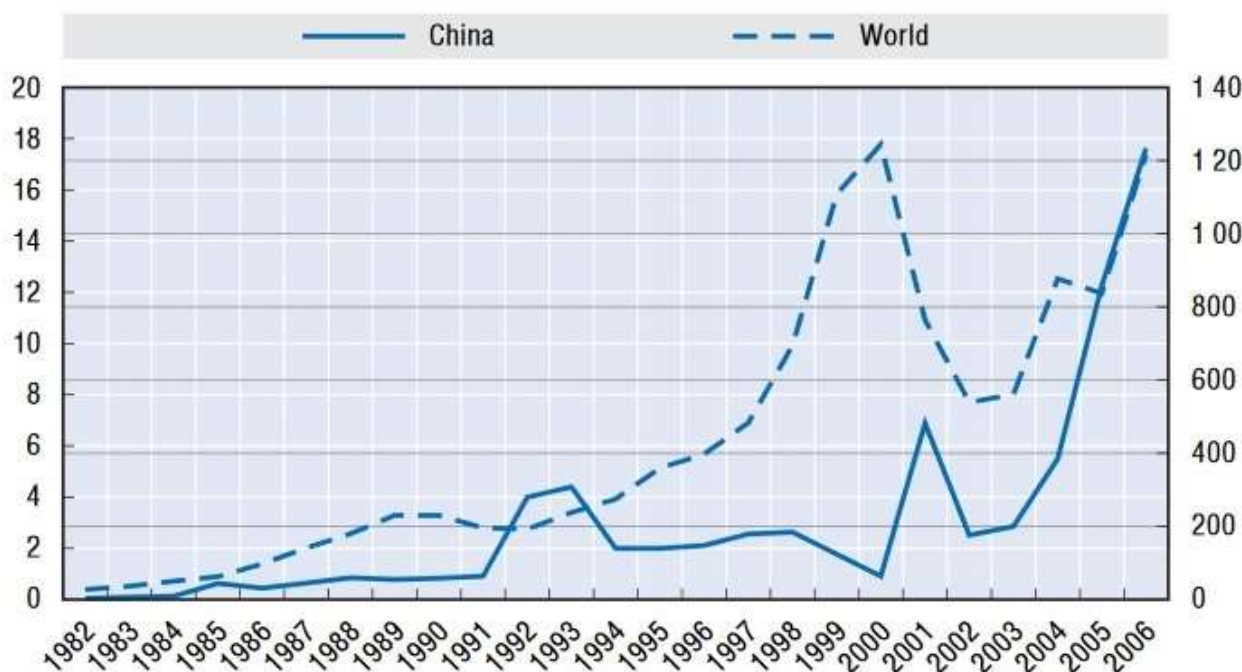
سرمایه‌گذاری غیر مالی مستقیم: این نوع سرمایه‌گذاری با سرمایه‌گذاری مالی کاملاً متفاوت است. این نوع سرمایه‌گذاری معمولاً توسط افراد یا شرکتهای خاصی که صاحب تکنولوژی، دانش فنی و صنعت هستند انجام میشود. در این نوع سرمایه‌گذاری شرکت صاحب تکنولوژی ممکن است با انتقال دانش فنی خود، ماشین‌الات و یا تکنولوژی که در اختیار وی میباشد در شرکتهای همکار مشارکت کند. این نوع سرمایه‌گذاری در قانون تجارت ایران، در جایی که قانون عنوان میکند که آورده میتواند نقدی با غیر نقدی باشد نیز پیش بینی شده است.

جمهوری خلق چین در ۴۰ سال پیش و همزمان با سیاست درهای باز و اصلاحات اقتصادی یکی از بزرگترین کشورهای پذیرنده سرمایه بود و اکثر این سرمایه‌گذاری‌ها از کشورهای سنگاپور، هنگ کنگ و آمریکا به صورت سرمایه‌گذاری مستقیم انجام میگرفت. با پیشرفت چین و پر شدن خلاءهای تجاری در این کشور، بازارهای تجارت در چین شاهد رقابت شدیدی

بین شرکتهای محلی و خارجی بود و بازار سرمایه گذاری نیز سود اولیه خود را از دست داد. این روند رقابتی و اینکه شرکتهای چینی به علت وجود بازار بزرگ در چین صاحب ثروت زیادی شده بودند، این فکر را در بین شرکتهای چینی پروراند که سرمایه های خود را به خارج از کشور منتقل کنند تا صاحب بازار بزرگتری شوند. سرمایه گذاری مستقیم چین در خارج از کشور رشد نسبتاً زیادی را تجربه کرد و شرکتهای چینی توانستند در آفریقا، امریکای لاتین و آسیا بازار بزرگی را بدست بگیرند. اکثر این شرکتهای جهت بدست آوردن مواد اولیه برای تولیدات خود با استفاده از تکنولوژی های به روز اروپا و امریکا سرمایه گذاری های سنگینی در زمینه مواد خام اولیه انجام دادند.

### China's OFDI – flow: 1982-2006

USD billions



بازار سرمایه گذاری چین در خارج از کشور نیز در ده سال گذشته شاهد تغییرات بزرگ و سریعی بوده و شرکتهای چینی را از تامین کننده سرمایه محض به تامین کننده صنعت تغییر داده است. به عنوان مثال، در بین سالهای ۲۰۱۲-۲۰۰۳ طبق آماری که سازمان جهانی ثبت اختراعات منتشر کرده، چین حتی در بین ۱۰ کشوری که بیشترین درخواست ثبت اختراع را داده اند نبود ولی در سال ۲۰۱۴ چین با ۹۲۸،۱۷۷ درخواست ثبت اختراع در رتبه اول کشورهای دهنده ثبت اختراع بودخ است. این تغییر در روند ثبت اختراعات جهانی به صورت مستقیم موقعیت چین را در سرمایه گذاری خارجی نیز تغییر داده است. شرکتهای چینی در سالهای پیش مجبور بودند که از تکنولوژی های اروپایی برای پیشبرد صنعت و تجارت خود استفاده کنند ولی امروز این شرکتهای پیش تاز تکنولوژی های نوین در دنیا هستند. شرکتهای چینی علاوه بر تامین مالی شرکتهای جهانی قادر هستند با تکنولوژی های جدید خود صنایع کوچک و متوسط را تقویت کنند در پیشرفت این صنایع سهمی از بازار داشته باشند. امروزه شرکتهای چینی هم قادرند به سورت مستقیم و مالی در پروژه سرمایه گذاری کنند و هم به صورت آورده

غیر مستقیم و دانش فنی که در اختیار دارند. جداول زیر کشورهای پیش تاز تکنولوژی در جهان بین سالهای ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۴ نشان میدهد و این نکته را ثابت میکند که تغییرات جهانی چگونه موقعیت چین را تغییر داده است.

Top patent applicants worldwide, 2003–2012

Rank ♦	Applicant ♦	Country ♦	Patent families ♦
1	Panasonic	● Japan	111,653
2	Samsung Electronics	🇰🇷 South Korea	95,852
3	Canon	● Japan	74,193
4	Toyota	● Japan	73,220
5	Toshiba	● Japan	65,151
6	LG Electronics	🇰🇷 South Korea	64,593
7	Seiko Epson	● Japan	62,305
8	IBM	🇺🇸 United States	45,473
9	Ricoh	● Japan	45,306
10	Sony	● Japan	44,261

Patent applications for the top 10 offices, 2014

Rank ♦	Country ♦	Patent applications ♦
1	🇨🇳 China	928,177
2	🇺🇸 United States	578,802
3	● Japan	325,989
4	🇰🇷 South Korea	210,292
5	European Patent Office	152,662
6	🇩🇪 Germany	65,965
7	🇮🇳 India	42,854
8	🇷🇺 Russia	40,308
9	🇨🇦 Canada	35,481
10	🇧🇷 Brazil	30,342

این تغییرات باعث وابستگی کشورهای بیشتری به چین شده تا هم از دانش فنی و تکنولوژی آنها استفاده کنند و هم از سرمایه نقدی که در اختیار چینی هاست استفاده کنند. امروزه تعداد زیادی از شرکتهای جهانی وابستگی شدیدی به تکنولوژی چینی

ها در پیشرفت صنایعشان پیدا کرده اند و در موارد زیادی از شرکتهای چینی بجای سرمایه از شرکتهای چینی درخواست ارائه تکنولوژی را دارند. با این روند، چین سعی خواهد کرد که با تصویب قوانینی در زمینه مالکیت معنوی شرکتهای خود را تحت حمایت خود قرار دهد و روابط حقوقی خود را با کشورهای طرف معامله گسترش دهد. سیستم حقوقی چین هنوز به صورت یک سیستم غالب بین المللی در جهان تعریف نشده است و قوانین چین در دوران گذر از قوانین محلی به قوانین بین المللی هستند. یکی از راهکارهای پیش رو برای چین جهت جهانی سازی قوانین خود امضاء موافقت نامه های دوجانبه یا منطقه ای است که از این طریق بتواند روابط خود را با کشورهای طرف معامله گسترش دهد. در مقابل کشورهای طرف معامله با چین نیز باید از این ایده که امضاء موافقت نامه های دوجانبه یا چند جانبه با چین حمایت و پشتیبانی کنند، چون چین به نیروی غالب در سرمایه گذاری بین المللی تبدیل شده است و گسترش روابط با این کشور میتواند برای کشورهای در حال توسعه مثمر ثمر باشد.

#### ۸. نتیجه گیری

چین از یک کشور پذیرنده سرمایه به یک کشور در حال توسعه قوی و فرستنده سرمایه تبدیل شده است و این باعث تغییر موقعیت چین در حقوق سرمایه گذاری بین المللی شده است. با توجه به نگرش چین به ترکیبی از منافع ملی، ارزش ها و وضعیت قدرت در حقوق سرمایه گذاری بین المللی، چین نباید به موضع حقوق سنتی بین المللی اقتصادی در زمینه سرمایه گذاری بین المللی که بر حاکمیت کشور میزبان تأکید دارد پایبند باشد و همچنین نباید بر منافع یک طرفه سرمایه گذاری تأکید داشته باشد. با توجه به این تغییرات، چین باید منافع کشور پذیرنده سرمایه را نیز در نظر بگیرد و قوانینی را تصویب کند که بین منافع سرمایه گذار و منافع کشور پذیرنده سرمایه تعادل ایجاد کند. این نگرش بدین دلیل است که سرمایه گذاری چین در خارج از کشور در حال افزایش است و چین باید سعی کند که سرمایه گذاری اش با فرهنگ جاری کشور مقصد منطبق باشد تا این سرمایه گذاری توسط کشورها پذیرنده سرمایه مورد استقبال قرار بگیرد. با پیشرفت اقتصادی چین، قوانین این کشور نیز رفته رفته از قوانینی با حاکمیت داخلی به قوانین فرامرزی تبدیل میشوند که بر سیستم های حقوقی کشورهای دیگر نیز تأثیر میگذارند. این روند در آینده ای نچندان دور با سیستم قانون گذاری چین منطبق خواهد شد و چین به تصویب قوانین فرامرزی خواهد پرداخت. کشورهای در حال توسعه و خواهان جذب سرمایه چین باید تلاش کنند که قوانین خود را با روند تغییرات اقتصادی و قانون گذاری در چین منطبق کنند تا بتوانند سهم بیشتری در جذب سرمایه گذاری خارجی خصوصاً سرمایه چین داشته باشند. علاوه بر این، چین با پیشتازی در ثبت اختراعات جهانی خود را به پرچم دار صنعت تکنولوژی های نو در دنیا تبدیل کرده و بالاتری از کشورهای اروپایی و آمریکا ایستاده است. این پیشتازی تغییرات زیادی را در قانون مالکیت معنوی چین بوجود آورده و چین سعی خواهد کرد که قانون مالکیت معنوی خود را به قانون فرامرزی تبدیل کند تا از

شرکتهای تکنولوژی خود در خارج از چین حمایت کند. کشورهای در حال توسعه برای استفاده از این پتانسیل موجود در چین باید قوانین مالکیت معنوی خود را اصلاح نمایند تا بتوانند تکنولوژی بیشتری از چین جذب کنند. جذب این تکنولوژی ها هم میتواند در غالب سرمایه گذاری غیر مالی باشد و هم خدمات دانش فنی که هردو این موارد در پیشرفت اقتصادی کشورها تاثیر زیادی خواهد داشت. کشورهای در حال توسعه از جمله ایران باید سعی کنند خود را با تغییرات سریع در چین هماهنگ کنند و قوانینی را تصویب نمایند که بتواند شرکتهای چینی را مجاب به سرمایه گذاری و یا انتقال دانش فنی خود به کشورهای دیگر شود.

### منابع و مراجع

۱. Cheng Hui: "China's net foreign direct investment" "ten consecutive increase", "People's Daily newspaper" September ۱, ۲۰۱۲
۲. Charles N. Brower & Stephan W. Schil, "Is Arbitration a Threat or a Boon to the Legitimacy of International Investment Law?", Chicago Journal of International Law ۹ (۲۰۰۹)
۳. Han Xiuli: "The Transformation of International Investment Law in the Post-Crisis Era -- Also on China's Situation", Journal of Xiamen University (Philosophy and Social Sciences), No. ۶, ۲۰۱۲
۴. M. Sornarajah, The International Law on Foreign Investment, ۳rd ed., Cambridge University Press, ۲۰۱۰,
۵. Rudolf Dolzer, "The Impact of International Investment Treaties on Domestic Administrative Law", New York University Journal of International Law and Politics ۳۷ (۲۰۰۵)
۶. Wenhua Shan, "Towards a Balanced Liberal Investment Regime: General Report on the Protection of Foreign Investment", ICSID Review-Foreign Investment Law Journal ۲۵ (۲۰۱۰).
۷. World Investment Report, ۲۰۱۸.
۸. Yuan Zhengqing: The Sociological Turn of International Political Theory: A Study of Constructivism, Shanghai People's Publishing House, ۲۰۰۵,
۹. [https://unctad.org/en/PublicationsLibrary/wir2019\\_en.pdf](https://unctad.org/en/PublicationsLibrary/wir2019_en.pdf)
۱۰. [http://www.chinadaily.com.cn/business/2016top10/2016-05/23/content\\_25414198.htm](http://www.chinadaily.com.cn/business/2016top10/2016-05/23/content_25414198.htm)
۱۱. <https://www.theguardian.com/business/2019/mar/22/jaguar-land-rover-wins-landmark-case-against-chinese-evoque-copycat>